

نظم نوین سلطان سلیم سوم؛ نقطه عطف گرایش امپراطوری عثمانی به اصلاحات نوین (۱۸۰۷ - ۱۷۸۹ م)

قسیم یاسین*

حمید حاجیان پور**

چکیده

سلطان سلیم سوم (۱۸۰۷ - ۱۷۸۹ م) در زمره سلاطین اصلاح‌گر عثمانی به‌شمار می‌رود که با افکار و ایده‌های نوگرایانه خویش و همراهی نخبگان متجدد درصدد بود به سان گذشته، دولت عثمانی را در عرصه رقابت‌های جهانی مطرح سازد و با سازماندهی اوضاع داخلی و ایجاد اصلاحات بنیادین، امپراطوری را از بحران و رکود نجات دهد. علاوه بر آن توانست مسیر اصلاحات نوین را برای جانشینان خویش هموارتر سازد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در پی تبیین و تحلیل سیر تحولات امپراطوری عثمانی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عصر سلیم سوم و نوع عملکردهای اصلاح‌گرایانه و واکنش‌های جامعه عثمانی نسبت به اقدامات وی است تا بتواند چرایی ناکامی پروژه اصلاحات سلطان نوگرای عثمانی را دریابد.

واژگان کلیدی

امپراطوری عثمانی، سلیم سوم، نظم نوین، سنت‌گرایان، اصلاحات نوین.

yasindatcom@yahoo.com

hhajianpour@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۶

*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز.

** . دانشیار دانشگاه شیراز.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳۱

طرح مسئله

اوج عظمت و شکوه عصر سلاطین برجسته عثمانی در اذهان مردمان امپراطوری با حاکمیت دینی، در طی قرون، آنان را دچار نوعی خودباوری به میراث‌های سنتی می‌ساخت که این نوع دیدگاه موجب غافل ماندن عثمانی از پیشرفت‌های دنیای اروپا گردید. بنابراین دولتمردان عثمانی با پدیدار شدن آثار رکود در ساختار حکومت و ابعاد مختلف امپراطوری، جبراً در موضع ضعف و شکست قرار گرفتند و به اصلاحات با سبک و سیاق اروپایی روی آوردند، چراکه به زعم سلطان و نخبگان، تنها انجام اصلاحات می‌توانست جانی دیگر در کالبد امپراطوری بدمد و آن را از سقوط نجات دهد. پیشینه جنبش اصلاحات به اوایل قرن هفدهم - مصادف با اوضاع نابسامان و رکود عثمانی - باز می‌گردد.

با این اوصاف، زمانی که سلطان سلیم سوم (۱۷۸۹ م) قدرت امپراطوری عثمانی را به دست گرفت، اوضاع آن چندان مساعد نبود، چه اینکه از سویی به شدت تحت فشارهای برون مرزی بود و قلمرو آن، عرصه تاخت و تاز قدرت‌های غربی، چون دو قدرت متحد روسیه - اتریش در یک جبهه واحد^۱ و بریتانیا و فرانسه - هرکدام به طور مجزا - شده بود و از سوی دیگر جلوس سلیم بر تخت سلطنت با انقلاب فرانسه مصادف گشته بود که تبعات مهمی را در پی داشت و خبر از این امر می‌داد که دنیای غرب روند تدریجی و رو به تکامل اکتشافات و علوم و فنون جدید را طی می‌کند و در عرصه نبرد و دیپلماسی، با استفاده از دستیابی به دانش و سلاح آتشین، به راحتی در برابر امپراطوری‌های شرقی، به ویژه عثمانی، قد علم نماید.

سلیم سوم با جسارتی تمام، برنامه‌ای جامع برای اصلاح نهادهای دولتی را آغاز کرد. سلطان و نخبگان نوگرا، به خوبی می‌دانستند که لازمه تحقق وظیفه نخست دولت، انجام اصلاحات بنیادین در عرصه‌های مدنی، اداری و اقتصادی است؛ و شرط جامه عمل پوشانیدن به وظیفه دوم نیز سازماندهی ارتش قاپی قولاری خواهد بود؛ چه اینکه سلطان سلیم پس از شکست ینی‌چری‌ها در جنگ با نیروهای روسیه (۱۷۹۲ - ۱۷۸۷ م) دریافت که ارتش ینی‌چری دیگر قادر به همگام شدن با توسعه نخواهد بود.^۲

علی‌رغم اینکه محققان برجسته‌ای چون شاو، استانفورد جی و اوزل کورال در تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، کارال، انور ضیاء در (Osmanlı Tarihi V. Nizam-ı Cedid ve Tanzimat Devirleri) و کارپات، کمال در Osmanlı Modernleşmesi، برنارد لوئیس در ظهور ترکیه نوین، احمد آق کوندز و سعید اوزتورک در آثاری چون: «الدولة العثمانية المجهولة»، و خالد زیاده در «اصلاح العثمانی فی القرن الثامن عشر»، هریک به مقتضای بحث تاریخ و اصلاحات عثمانی تا حدی به این موضوع پرداخته‌اند؛ ولی در این بین پژوهش‌های نو (به ویژه به زبان فارسی) در ارتباط با پژوهش حاضر، مقالاتی مانند «اصلاحات در امپراطوری عثمانی» و «مشروطه عثمانی» اثر حسن حضرتی (۱۳۸۴ هـ.ش) و مقاله «اصلاحات در دولت عثمانی» اثر سید وحید مشیریان فراخی (بی تا) صورت گرفته است.

نوشتر حاضر از منظری نو و آسیب‌شناسانه و با دقتی بیشتر فضای حاکم بر جامعه عثمانی عصر سلطان سلیم سوم و اصلاحات وی را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش در پی آن است تا ضمن استفاده از دستاوردهای تمام پژوهش‌های پیشین، به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد: خاستگاه و نوع اصلاحات سلطان سلیم چه بوده است؟ از منظر پاتولوژیک پیامدهای اصلاحات سلیم سوم و موانع موجود بر سر راه اجرای پروژه اصلاحات و علل تقابلات موجود چه بوده است؟ فرضیه پژوهش این است که شکست‌های عثمانی در میدان کارزار با اروپای متمدنی، طبقه حاکم را بر آن داشت تا به اصلاحات نظامی دست یازند. در واقع دولت می‌خواست تمام فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی را تحت سلطه خویش داشته باشد. به عبارتی دیگر دولت مرکزی روند اصلاح و نوسازی را به عنوان یک ایدئولوژی برای اهداف خاص خود می‌دید که این خود دریچه‌ای نو در جهت آشنایی با دنیای غرب و نفوذ فرهنگ غربی در جامعه عثمانی گردید. علاوه بر آن، عدم وجود پشتوانه اجتماعی اصلاحات سلیم سوم، باعث سوار شدن مخالفان بر امواج پرتلاطم جامعه گردیده و این مخالفان سنت‌گرا، از تعارضات و تقابل ساختاری پدید آمده مابین نهادهای کهن سنتی و نهادهای نوین، سوءاستفاده لازم را در جهت منافع خویش و متوقف ساختن پروژه اصلاحات بردند؛ ولی با این همه، اصلاحات سلیم سوم زمینه اصلاحات جدیدتری را برای جانشینانش پدید آورد.

1. Aksan, *An Ottoman Statesman in War and Peace*, P. 160 - 170.

۲. نوار، الشعوب الإسلامية، الاتراک العثمانيون، الفرس، مسلمو الهند، ص ۴۱.

Ustun, *The New Order and Its Enemies*, P. 108.

اصلاحات عصر سلیم سوم

در عصر سلیم سوم، اندیشه اصلاحات و نوسازی به سبک اروپایی، شکل رسمی و جدی‌تری به خود گرفت، از این رو اصلاحات سلیم را نقطه‌عطف اصلاحات سنتی دانسته‌اند.^۱ آنچه که وی را بیش‌ازپیش مشتاق انجام اصلاحات می‌نمود، شکست ینی‌چری در رویارویی با ارتش روسیه بود.^۲ در واقع جنگ و شکست‌های اخیر در مقابل غریبان، به‌وضوح نشان داد که امپراتوری عثمانی نمی‌تواند کیان خود را در مواجهه با کشورهای اروپایی محافظت کند و پس از آن ضرورت سازماندهی مؤسسات و نهادهایی که از طریق آن امپراتوری عثمانی مستقل و متکی به خویش باشد، آشکار گشت.^۳ مهم‌ترین مسئله، رابطه با کشورهای اروپایی و تأثیر از تجهیزات نظامی و آموزشی بود^۴ و با توجه به علاقه شدید سلیم به لوئی شانزدهم فرانسه، روابط تنگاتنگی بین عثمانی و فرانسه ایجاد شد؛ چراکه خود سلیم پیش از به قدرت رسیدن نیز مطالعات و مکاتباتی در باب پیشرفت‌های اروپا و انقلاب فرانسه داشت.^۵

سلطان در بادی امر نسبت به آگاه‌سازی وزرا در بیان تمایل به اصلاحات و آماده‌سازی اذهان جهت پذیرش اصلاحات اکتفا کرد^۶ و اولین اقدامی که انجام داد، دعوت از تعدادی از چهره‌های اصلاح‌طلب متجدد و تشکیل مجلسی مشورتی^۷ بود که حدود ۲۲ عضو داشت و بعدها عوامل این هیئت‌مدیره گسترش یافت، به‌طوری که حدود چهل عضو بدان ملحق شدند و طرح‌های پیشنهادی به‌طور مستقیم به سلطان منتقل می‌گشتند.^۸ بدین‌منظور در سال ۱۷۹۱ م برخی اکابر علما که بر اصلاحات - به‌ویژه در بعد نظامی - تأکید داشتند، اتفاق نظر کردند که ارتش عثمانی دیگر برای نبرد جدید، صلاحیت لازم را ندارد.^۹

گام دیگر سلیم سوم این بود که از برخی از دولت مردان و صاحب‌نظران خواست تا افکار و ایده‌ها و پیشنهادات خویش در باب علل ناتوانی عثمانی و راه‌هایی از بحران را بیان کنند که بایستی دیدگاه‌ها و گزارشات آنان با عنوان «لایحه» در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، مدنی و نظامی تدوین و به سلطان ارائه می‌گردید.^{۱۰} اهمیت این لوایح به خاطر انعطاف‌پذیری و نشان دادن رویکردهای متضاد در اصلاح دولت به‌طور کلی و تجدید سازمان ارتش به‌طور خاص بود.^{۱۱} در بحث اخیر اکثر آنها بر نیاز به اصلاحات نظامی به توافق رسیدند تا با کمک افسران و متخصصان اروپایی، بدون تعصب به شریعت یا تحریک خصومت ارتش ینی‌چری^{۱۲} یا علمای محافظه‌کار، به انجام اصلاحات بپردازند.^{۱۳} در این راستا قاضی عسکر عبدالله افندی تفاهم‌نامه‌ای را به سلطان سلیم سوم تقدیم داشت که در آن اصلاح قطعی نیروهای عثمانی را خواسته بود که این امر صرفاً از طریق فراگیری علوم و آموزش نظامی غربی، آموزش و ترجمه آثار فنی اروپا به زبان عثمانی و استفاده از کارشناسان و مشاوران خارجی میسر می‌شد.^{۱۴} بدین‌سان گسترش آموزش تحت‌عنوان اصلاحات سلیم، به نحوی فزاینده به ترجمه کتب غربی منجر گشت^{۱۵} که می‌توان «بهبود و توسعه برنامه‌های آموزشی» را اساسی‌ترین شیوه وی در جهت نزدیکی به دنیای غرب به‌ویژه فرانسه، و اخذ علوم و فنون از آنان دانست. آخرین اصلاح در دستگاه دیپلماسی،

۱. شاه، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۲، ص ۴۵۰ - ۴۴۹.

2. Ustun, *The New Order and Its Enemies*, P. 108.

۳. اوغلی، الدولة العثمانیه تاریخ و حضاره نقله الی العربیه، ص ۷۹ - ۷۸.

۴. کین راس، قرون عثمانی، ص ۴۳۱.

5. Mardin, *Yeni Osmanlı Düşüncesinin Doğuşu*, s. 163

۶. سیدمصطفی، نقد حالة الفن العسکرى، و الهندسة العلوم فی التسطینطیه، ص ۷۰.

۷. آق کوندز و اوزتورک، الدولة العثمانیه المجهوله، ص ۳۶۸ - ۳۶۷؛ حضرتی، مشروطه ایران و عثمانی، ص ۴۱.

۸. زیاده، الاصلاح العثمانی فی القرن الثامن عشر، ص ۲۳ - ۲۲.

۹. عبد العزیز، تاریخ المشرق العربی، ص ۲۵۲؛ Turhan, *kültür değışmeleri*, s. 138.

10. Kona, *Güngürmüş, Batı'da, Aydınlanma, Doğu'dabatlaşma*, s. 82:

حائزى، امپراطوری عثمانی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۶۴

۱۱. اوغلی، الدولة العثمانیه تاریخ و حضاره نقله الی العربیه، ص ۸۲.

۱۲. برآورد تعداد ینی‌چریان یا انکشاریه در این برهه قریب به ۴۰۰ هزار نفر بوده است.

۱۳. حورانی، الفکر العربی فی عصر النهضة ۱۹۳۹ - ۱۷۹۸، ص ۵۴.

۱۴. عبد العزیز، تاریخ المشرق العربی، ص ۲۵۰.

۱۵. کین راس، قرون عثمانی، ص ۴۳۳.

پایان دادن به مساعدت‌های عثمانی به سفارت‌های خارجی در استانبول، در ماه جولای ۱۷۹۴ م بود که منجر به تنفر سفرای خارجی گردید.^۱ سلیم سوم، برای اجرای طرح اصلاحات جدید در دیپلماسی عثمانی، به یکی از دستیاران خود به نام «ابوبکر راتب افندی» جهت بازدید از اروپا و اطلاع از مؤسسات و نهادهای جدید و تهیه تقریر مطالبی حول اصلاحاتی که می‌توان بر مؤسسات عثمانی و یا ایجاد نهادهای نوین در استانبول دخیل کرد، مأموریت داد.^۲

هدف سلطان عثمانی از اعزام سفرا و برقراری سفارت‌خانه‌های دائم در پایتخت‌های اروپا، گسترش دامنه حامیان پروژه اصلاحات بود.^۳ در این مقوله می‌توان به سه شخصیت برجسته اشاره کرد. نخست راتب افندی است، همان کسی که سلطان وی را در یک مأموریت به وین و دیگر پایتخت‌های اروپایی فرستاد که اولین اثر فکری خود را در زمان سلطنت سلیم سوم پدید آورد (تاریخ این گزارش به آغاز برنامه اصلاحات باز می‌گردد. ۱۹۷۳ م) شخصیت دوم محمود رئیف (محمود انگلیسی) است که به‌عنوان سفیر سلطان سلیم سوم، سمتی دیپلماتیک در لندن گرفت و نوشته‌هایی از خود برجای گذاشت. از جمله رساله‌ای در جغرافیا و سفرنامه‌ای از شرح سفر و اقامتش در لندن و مهم‌ترین اثر منتشر شده وی به زبان فرانسه و عثمانی و با نام «فهرست تنظیمات جدید در امپراتوری عثمانی» است. این اثر توصیفی، از ترتیبات جدید و اصلاحات عصر سلطنت سلیم سوم اتخاذ شده است.^۴ سومین شخصیت، مهندس سید مصطفی است که اثری بی‌نظیر تحت عنوان «نقد هنر نظامی، مهندسی و علوم در قسطنطنیه (۱۸۰۳ م)» را نگاشته است. همچنین لازم به ذکر است که نخستین روشنفکرانی که به اهمیت تفکر و دانش عقلانی در دوره مدرنیته پی‌بردند، در این دوره شکل گرفتند.^۵

با وجود حمایت برخی از شخصیت‌های اصلی جهت‌دهنده به برنامه‌های اصلاحات، ینی‌چری‌ها نسبت به برنامه‌های اصلاح‌گرایانه، مخالفت گسترده‌ای را نشان دادند.^۶ در چنین شرایطی بود که ساکنان استانبول، سربازان سلیم سوم را که به لباس فرانسوی آراسته بودند، به‌سخره می‌گرفتند، تا جایی که تمسخر و تحقیر از جانب منتقدان نظامی، مذهبی و سیاسی نیز ادامه یافت.^۷ با وجود مخالفت‌های شدید، سلطان گام در انجام پروژه اصلاحات نهاد و این موانع توانست بر رغبت و شوق سلیم سوم در تجسم ایده‌های اصلاح‌گرایانه‌اش مؤثر افتد.^۸

اصلاحات نظامی

اصلاحات عثمانی در این برهه، بیشتر عرصه‌ها را فراگرفت ولی بیشترین تأکید بر اصلاحات در بعد نظامی بود. براین مبنا اصل اساسی در اصلاحات سازمانی، تفکیک وظایف نظامی و اداری در تمامی دسته‌های نظامی و انتصاب ناظری مستقل بر امور اداری و عملکرد آقاها به‌عنوان فرماندهان پیشین بود.^۹ در واقع سلطان قصد داشت تا تجارب، تعلیمات و هنر نبرد رقبای اروپایی را تا حد امکان در سازماندهی ارتش عثمانی به‌کار گیرد.^{۱۰} جهت استفاده از حداکثر میزان کارآمدی هر دسته، آزمون‌هایی از نظامیان به عمل آمد تا آنانی که فاقد مهارت لازم بودند را معزول داشته و ملاک اصلی انتصابات توانایی‌های افراد و ارشدیت آنان باشد تا از انجام اعمالی چون ارتشاء و نفوذ مقامات، جلوگیری به‌عمل آید.^{۱۱} بنابراین استخدام دولتی در اقطاعات آسیای صغیر، با احترام به اراده فردی بود.^{۱۲}

۱. عبد العزیز، تاریخ المشرق العربی، ص ۲۵۷ - ۲۵۵.

2. Mardin, *Yeni Osmanlı Düşüncesinin Doğuşu*, I. 163.

۳. ووسینیچ، تاریخ امپراطوری عثمانی، ص ۳۳؛ Karpat, *Osmanlı Modernleşmesi*, S. 79-83.

4. Naf, "Reform and the conduct of Ottoman Diplomacy in the Reign of Selim III, (1789 - 1807)", *Journal of American Oriental Society*, c.83, S8, ss. 295 - 315.

۵. زیاده، *الاصلاح العثماني فی القرن الثامن عشر*، ص ۲۴.

6. Berkes, *Türkiye'de Çağdaşlaşma*, s 99.

۷. سید مصطفی، نقد حالة الفن العسکری، والهندسة العلوم فی القسطنطنیه، ص ۷۱.

۸. زیاده، *تطور النظرة الإسلامیه الی اورویا*، ص ۷۴.

۹. سید مصطفی، نقد حالة الفن العسکری والهندسة العلوم فی القسطنطنیه، ص ۷۴.

۱۰. شاو، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ج ۱، ص ۴۵۱.

11. Ranke, *History of Servia*, P. 96.

12. Ibid.

۱۳. سید مصطفی، نقد حالة الفن العسکری، والهندسة العلوم فی القسطنطنیه، ص ۷۶ - ۷۵.

تغییرات در باب ینی چریان عمیق تر بود اما اصلاحات لازم آن چنان که شایسته و بایسته بود، موفقیت آمیز نبود. ولی در دسته‌های قدیمی تری همچون توپچی‌ها، خمپاره‌چی‌ها، نقب‌زن‌ها و ... که پیش از این تحت نظر بارون دوتوت آموزش دیده بودند، اصلاحات بسیار موفقیت آمیزتر بود. از این رو در اواخر دوره سلیم، این دسته‌های نظامی، کارآمدترین بخش لشکر سنتی عثمانی بودند.^۱

۱. نظام جدید یا نظم نوین

سپاهیان و ینی چریان که بدنه اصلی نیروهای نظامی عثمانی را تشکیل می‌دادند، به متنفذینی صاحب قدرت مبدل شده بودند که در عزل و نصب وزرا و سلاطین، ایفای نقش می‌کردند.^۲ اینان طاغیان مخوفی گشته بودند که از ربع عصیانشان، ناامیدی در کالبد جامعه دمیده می‌شد. آنان با مقاومت در برابر اصلاحات، به‌سان گذشته، برای انجام عملیات جنگی نوین ناتوان ماندند. پس سلطان سلیم سوم برای جایگزینی این نیروها، پیاده نظام کاملاً جدیدی به نام «نظام جدید یا نظم نوین»^۳ را بنا نهاد. این نظام نوین از دل نیروهای پیشین برکشیده شد تا حساسیت‌ها و رنجش خاطر اینان را بیشتر نسازد. در واقع کانتکستی که نظم نوین در آن شکل گرفت را «بزرگترین لحظه بحرانی امپراطوری که تاکنون با آن مواجه گشته بود» دانسته‌اند.^۴ بر این مینا پس از مشکلات مالی و نظامی در سده ۱۷ م، قسمت عمده قرن ۱۸ م را می‌توان «دوره بازسازی، ثبات و توسعه اقتصادی» دانست.^۵ بدین ترتیب ارتشی جدید متشکل از دوازده هزار نیروی داوطلب سازماندهی شده، به‌عنوان جایگزینی برای نیروهای ینی چری شکل گرفت.^۶ این نظام با خط همایونی به سال ۱۷۹۳ م اعلان گردید که اولین قدم نوسازی سلیم در این سال، با تلاش ارتش مرکزی جدید وفادار به تاج و تخت وی آغاز شد.^۷

ارتش جدید یا نیروی جدید سلطانی به سبک نیروهای اروپایی سازماندهی شده و آموزش دیدند.^۸ سلیم سوم شخصاً بر روند بدون وقفه آموزش آنان نظارت داشت.^۹ همچنین پادگان‌های جدید برای ارتش جدید در خارج از استانبول بنا شد که سلطان جهت دوری نیروهایش از فشارهای انکشاریه دست به چنین اقدامی زد.^{۱۰} به‌دنبال آن، پادگان‌های نو در اطراف استانبول و شهرهای رقیب و آناتولی پدید آمد که برای آموزش نظامی به‌کار گرفته می‌شد.^{۱۱} در آوریل ۱۷۹۲ م منطقه «لیفانت شفتلک» مرکزی برای آموزش سربازان جدید گردید. این محل که مشرف بر تنگه بوسفور بود، به منظور حفظ اسرار و جلوگیری از تحریک ارتش ینی چری انتخاب شد.^{۱۲}

علاوه بر این موارد، سلیم سوم درصدد ایجاد سلسله‌ای از قوانین جدید به نام «قانون‌نامه» برآمد. این در حالی‌ست که وی برنامه‌ای برای اصلاح امپراطوری تنظیم کرد که در آن تمام اصلاحات سلطان به‌عنوان «نظام جدید» شناخته می‌شد.^{۱۳}

۲. بازسازی ناوگان دریایی

در این دوره، غازی حسن مقدمات لازم جهت ایجاد نیروی دریایی کارآمد را فراهم آورد. وی توانست تعداد ۲۲ کشتی جدید از نوع بزرگترین کشتی‌های جنگی را بسازد و مقام دریاسالاری را از حسین پاشا - از معتمدین سلطان سلیم - عهده‌دار شود.^{۱۴}

۱. شاول، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲. الغازی، دور الانکشاریه فی اضعاف الدولة العثمانیه، ص ۱۵۳.

۳. آقی کوندز اوزتورک، الدولة العثمانیه المجهوله، ص ۳۷۳؛ Karal, *Osmanli Tarihi*, V.cilt, P. 61.

4. Aksan, *An Ottoman Statesman in War and peace*, P. 181.

5. Sevket, "Institutional Change and the Longevity of the Ottoman Empire, 1500 - 1800," *Journal of Interdisciplinary History* 35, P. 226 - 227.

۶. زیاده، اکتشاف التقدم الاوروبی، ص ۵۲.

7. karpat, *Osmanlı Modernleşmesi*, S. 78

۸. زیاده، الاصلاح العثماني فی القرن الثامن عشر، ص ۳۴؛ karpat, *Osmanlı Modernleşmesi*, S. 83.

۹. سیدمصطفی، نقد حالة الفن العسکری، والهندسة العلوم فی القسطنطنیه، ص ۷۷.

۱۰. زیاده، اکتشاف التقدم الاوروبی، ص ۵۲.

۱۱. سیدمصطفی، نقد حالة الفن العسکری، والهندسة العلوم فی القسطنطنیه، ص ۸۰.

۱۲. عبد العزیز، تاریخ المشرق العربی، ص ۲۳۵ - ۲۵۲؛ شاول، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۴۵۳.

13. Akşin, *Kısa Türkiye Tarihi*, P. 24.

۱۴. شاول، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۴۵۵ و ۴۵۶.

مدارس دریایی گسترش یافتند و نوسازی شدند. زرادخانه‌های دریایی سلطنتی یا ترسانه گشایش یافتند. در نیروی دریایی نیاز به ایجاد بخش مستقل خدمات پزشکی احساس شد که با تأسیس آن امپراطوری عثمانی در روند نوسازی نظامی نیروی دریایی، از خدمات پزشکی دولتی برخوردار شد.^۱ این امر خود شاهدهی بر این مدعاست که اصلاحات جدید تا حد زیادی وابسته به اصلاحات نظامی بود.^۲

اصلاحات در عرصه‌های اقتصادی، اداری و اجتماعی

سلطان سلیم سوم به دلیل اهتمام ویژه به اصلاحات در ارتش در زمره وارثان واقعی اصلاح‌طلبان قرن هجدهم میلادی قرار دارد. با این وجود وی و مشاورانش بدین امر پی نبرده بودند که اصلاحات تکنولوژیک تا حد زیادی محصول انقلاب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.^۳ وی در راستای از میان بردن مفاصل اقتصادی موجود، تقریباً در تمامی نهادهای مربوطه، اصلاحاتی را جاری ساخت. قدرت و نفوذ وزیر محدود و ملزم به مشورت با اعضای دیوان گردید و نهاد دبیری در کنار منصب صدر اعظم پدیدار گشت. دبیر به‌عنوان نایب و معاون وزیر اعظم در مقام بازسازی نظام قرار گرفت.^۴ به‌علاوه نظام دیوانی نیز مجدداً سازماندهی گشت و برآیند این تلاش‌های سلطان، به تحول اداره مالی و اصلاح بودجه مملکتی منجر گردید.^۵ سلیم در جهت ممانعت از بیکاری و توطئه‌چینی وزیران، تعدادشان را کاسته و اصل قابلیت و کفایت افراد را مورد توجه قرار داد. در این راستا میزان هدایا و پیشکش‌های سلطانی را نیز کاهش داد تا مقامات در جهت تأمین هزینه‌های آن به رشوه‌خواری و اخذ مالیات‌های نامشروع متوسل نشوند.^۶

در زمینه نوسازی ساختار حکومتی - اقتصادی یا اجتماعی - تلاشی همگانی صورت نگرفت و تنها حرکت‌هایی جزئی و تدریجی به منظور حل مشکلات دیرینه، آن هم با روش‌های سنتی بروز یافت. این سیستم است که ساخت سیستم‌های مالیاتی جدید و ایجاد یک بیت‌المال جدید^۷ را می‌طلبید که «اراده جدید»^۸ نامیده شد. برای حمایت از هزینه‌های مؤسساتی که توسعه یافته‌اند، این مؤسسات از طریق درآمد حاصل از زمین و به‌ویژه اقطاع نظامی،^۹ با تحمیل مالیات بر مالکینی که وظایف نظامی خویش را انجام نداده‌اند، تغذیه مالی می‌شدند.^{۱۰} سلطان به جهت تأمین هزینه‌های مالی این نظام نو، خزانه مستقلی به نام «اراده جدید یا درآمد جدید» را ایجاد نمود.^{۱۱}

همچنین تلاشی صورت گرفت تا مالیات‌های کشاورزی منسوخ گشته و به‌جای آن جهت تأمین هزینه‌های اصلاحات ارتش، بر کالاهای داخلی مالیات‌هایی وضع گردد^{۱۲} که نه‌تنها اوضاع بهبود نیافت بلکه در مراحل بعدی منجر به تحمیل مالیات‌های جدیدی بر تولید محصولات کشاورزی مانند غلات و حتی شراب شد.^{۱۳} علاوه بر آن با تداوم افزایش مالیات بر درآمدهایی که از فروش کالاهای مختلف مانند گردو، قهوه، انگور، پشم، پنبه و مالیات‌های گمرکی تحصیل می‌شد، بر درآمدهای خزانه اراده جدید افزوده می‌گشت.^{۱۴} مالیات دخانیات حدود شش درصد بود در حالی که هزینه‌های سایر مواد از سه درصد تجاوز نمی‌کرد. این منابع اضافی به درآمد و مالیات‌های جدید برای صندوق لباس، چکمه و تفنگ برای «سربازان نظام جدید» تعلق داشت^{۱۵} که بر پشم گوسفند و موی بز اعمال شد که پیش از آن مشمول مالیات نشده بود.^{۱۶}

۱. همان، ص ۴۵۶.

۲. ووسینیچ، تاریخ امپراطوری عثمانی، ص ۳۷.

۳. شاه، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۴۵۶.

۴. همان، ص ۴۵۷.

5. *Encyclopedia Britannica*, XXVII, P. 431

۶. شاه، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۴۵۷.

۷. سیدمصطفی، نقد حالة الفن العسكرية، والهندسة والعلوم فی القسطنطینیة سنه، ص ۷۰.

۸. به زبان ترکی IRADI CEDID.

۹. زیاده، اکتشاف التقدم الاوروبی، ص ۲۰.

۱۰. زیاده، الاصلاح العثمانی فی القرن الثامن عشر، ص ۲۵.

11. Ustun, *The New Order and Its Enemies*, P. 112.

12. Thornton, *Present State of Turkey*, P. 50.

Beydilli and Şahin, *Mahmud Raif Efendi Ve Nizam-ı Cedid'e Dair Eseri*, P. 44. ۵۲.

14. Çadırıcı, "Renovations in the Ottoman Army", *Revue Internationale D'Histoire Militaire*, P. 88.

15. Derin, "Yayla İmamı Risâlesi", *Tarih Enstitüsü Dergisi* 3, No. 8, P. 216-217.

16. Beydilli and Şahin, *Mahmud Raif Efendi Ve Nizam-ı Cedid'e Dair Eseri*, P. 44.

تمامی این اقدامات، افزایش درآمد دولت را هدف قرار داد، چنان که برخی از اصلاحات دیگر جهت سیستم تدارکات ارتش و سازماندهی مجدد ساختار توپخانه و تقویت استحکامات و دفاع از ورودی‌های سفر و حومه پایتخت صورت گرفت.^۱ یک افسر فرانسوی در توصیف آنچه که قرار بود در استانبول در زمان سلطنت سلیم سوم رخ دهد، گفت:

در آغاز قرن نوزدهم پروژه سلطان سلیم برای لغو انکشاریه و نابود کردن جاه‌طلبی‌های علما و سرتنگونی اقتدار مفتیان، سلطان می‌خواست ملتش را با مشارکتشان در عرصه‌های فنون و علوم متجدد سازد و در عرصه‌های تجارت و زراعت و تمدن آنها را پیش ببرد.^۲

در واقع اصلاحات اجتماعی و اقتصادی سلیم نیز ابتکاری نو نبود چراکه بدون توجه به وجود زمین و مشاغل کافی برای روستائیان در روستاها، آنانی که به شهرها کوچ کرده بودند به اجبار دولت به روستاها بازگشتند.

ارزیابی و آسیب‌شناسی

گام‌های مقدماتی اصلاحات نوین عثمانی در عصر سلیم سوم (۱۸۰۷ - ۱۷۸۹ م) برداشته شد، تاجایی که این دوره نقطه‌عطفی در اصلاحات سنتی و گرایش به اروپا تلقی می‌گردد. چراکه سلطنت وی مقارن با انقلاب ۱۷۸۹ م فرانسه بود؛ انقلابی مردمی، پیشرو و مورد نیاز زمان که از اصالتی تاریخی برخوردار بود.^۳ سلیم سوم تنها راه نجات امپراطوری از ورطه بحران را در اجرایی کردن برنامه‌های اصلاحی می‌دید و بدین‌سان شیفته غرب گردید.

این امر در حالی بود که ۱. اصلاحات عصر سلیم برخاسته از بطن جامعه و نیاز ملموس مردمان جامعه عثمانی نبود^۴ بلکه از طبقه حاکم یا از «بالا» و جدای از احکام اسلامی پا گرفت. در بین روشنفکران و دولت، شکافی عظیم افتاد.^۵ پیشروی و ترقی یک فرهنگ، زاییده همان فرهنگ است. حاکمیت دینی عثمانی که بر اهداف و آموزه‌های دینی استوار بود^۶ بایستی بسان ادوار سلاطین سلف، موتور محرکه اصلاح و نوسازی برخاسته از بطن جامعه دینی عثمانی می‌بود. بنابراین اساسی‌ترین اقدام سلطان بایستی در جهت «فرهنگ‌سازی و بیداری اذهان اجتماعی» صورت می‌گرفت. از دیدگاه مسلمانان، اندیشه ترقی و پیشرفت، ترجمان تفکر مسیحی بود و این اندیشه را یک حکومت مسلمان نمی‌توانست محقق سازد چراکه در دوران پیشین، مشوق مسلمانان و پیشرفت‌های آنان، خود اسلام بوده است نه چیزی دیگر. این در حالی بود که آموزه‌های اسلامی خود مشوق اخذ علوم از اقصی نقاط جهان، اصلاح امور^۷ و اتباع از قول احسن^۸ است.

۲. گویی سلطان بیشتر تحت‌تأثیر حرمسرا، به‌ویژه معشوقه‌اش ام دوبوک دیوری فرانسوی با لقب «نقش دل»^۹ و نیز پادشاه فرانسه، لوئی شانزدهم،^{۱۰} دست به اصلاحات زد، بدون آنکه زمینه‌ها و احتیاط‌های لازم را داشته باشد. اصولاً وی بایستی به‌صورتی ماهرانه اصلی‌ترین موانع اصلاحات - یعنی مرتجعان سنتی اعم از بنی چریان و علمای سنتی - را تحت کنترل خویش در می‌آورد. همان اقدامی که سلطان محمود دوم (۱۸۳۹ - ۱۸۰۸ م) با جسارتی تمام و با موفقیت انجام داد^{۱۱} و در صدد اصلاحات جدی‌تری برآمد و برگی نو در پروژه اصلاحات عثمانی به نام «اصلاحات نوین» آغاز گردید.

۳. سلطان در یک تعارض باقی‌مانده بود که از یک‌سو نهادهای نوین ایجاد می‌کرد و به تخریب نهادهای سنتی خویش می‌پرداخت و از سوی دیگر در برخی موارد با حفظ همان نهادها انتظار، کارکردهای نوین را از یک نظام سنتی داشت. علاوه بر آن، عملکرد سلطان اعم از جدیت در اجرای اصلاحات و خوشگذرانی‌های حکومتیان به سبک اروپا، اصلاحات را امری

۱. زیاده، *اکتشاف التقدم الاورویی*، ص ۵۲.

۲. زیاده، *اکتشاف التقدم الاورویی*، ص ۵۴.

۳. حائری، *امپراطوری عثمانی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، ص ۸۰.

4. karpat, *Osmanlı Modernleşmesi*, s.83.

۵. ناطق، *ایران در راهبایی فرهنگی*، ص ۱۳۷: 68-67، *Tarih-i Cevdet, Cilt I*, S. 67-68.

6. Mardin, *Türkiye'de din ve Siyaset*, ss. 25-34.

۷. فرقان (۲۵): ۵۷.

۸. زمر (۳۹): ۱۸.

۹. دوگروس، *شبهای سرای*، ص ۸.

10. Uzuncarsili, "Selim III'ün Veliht İken Fransız Kralı Lüi İle Muhabereleleri", *Bel-leten*, No: 5-6, ss. 191-246.

۱۱. باربر، *فرمانروایان شاخ زرین*، ص ۱۲۶.

برگرفته از مسیحیت در اذهان عمومی متجلی ساخته و بهانه‌ای می‌شد در جهت خودسری و طغیان مرتجعان و برداشت ناصواب عامه از اصلاحات.

۴. اجرای پروژه اصلاحات، هزینه‌های هنگفتی را می‌طلبید و این در حالی بود که سلطان در زمینه اقتصاد و تجارت - چه در عرصه‌های داخلی و چه خارجی - اقدامات بسیار سطحی انجام داد که به هیچ‌وجه مشکلات اقتصادی جامعه عثمانی را مرتفع نمی‌ساخت.^۱ با این همه در این دوره، بذر اقتصادی و اجتماعی ناسیونالیسم مدرن کاشته شد که بعدها موجب سرازیری سرمایه‌های استعمارگران و سقوط امپراطوری در گردابی بنام «استقراض خارجی» گردید.

۵. نرم‌خویی و تذبذب شخصیتی سلطان سلیم سوم، در اجرایی نمودن اهداف خویش، می‌تواند مزید بر علل باشد. چنان‌که به راحتی از در مصالحه با مخالفان درآمده و گردن به امرشان نهاد و خود قربانی نظم نوین یا نظام جدیدش گردید.^۲

پیامدهای اصلاحات سلیم سوم

۱. گرایش عثمانی به دیپلماسی متعادل و متوازن با قدرتهای اروپایی

سلطان سلیم در آغاز اصلاحات خود، تجدید هیئت دیپلماتیک باب عالی را مدنظر قرارداد. پس از آن متوجه شد که نزدیک ماندن به حوادث در اروپا و استفاده از کارشناسان آن برای اطمینان از امنیت کشور ضروری است. وی پس از پایان جنگ با روسیه و اتریش (۱۷۹۲ م) شروع به تجدید روابط دیپلماتیک با قدرتهای رقیب نمود. بنابراین جهت بروزرسانی دیپلماسی عثمانی با انتصاب تعدادی از سفارت‌های ساکن در پایتخت‌های اروپایی به‌ویژه با ایجاد نخستین سفارتخانه در لندن (۱۷۹۲ م) این مهم را عملی ساخت.^۳

در این برهه انگلستان منافع خویش در قلمرو عثمانی را تحت‌الشعاع منافع روسیه می‌دید تا بتواند در اروپا و در جنگ با فرانسه متحدی برای خود بیابد. بدین ترتیب دست روس‌ها در حمله به امپراطوری عثمانی و تجزیه آن - به‌ویژه در بالکان - و توطئه برای اخراج مستشاران فرانسوی از استانبول، باز گردید و عثمانی به سال ۱۷۹۸ م به فرانسه اعلان جنگ داده و با انگلستان هم‌پیمان گشت.^۴

با روی کار آمدن بناپارت در فرانسه، مقاصد توسعه‌طلبانه فرانسه در خاک عثمانی بلافاصله پیگیری نشد. فرانسه که تمام امتیازات خویش در قلمرو عثمانی را از دست داده بود، مجدداً درصدد تجدید اتحاد پیشین با عثمانی برآمد. ولی روس‌ها و انگلیسی‌ها نومیادنه می‌کوشیدند تا از این اتحاد ممانعت کنند که با توجه به علاقه سلیم در ایجاد روابط با فرانسه، انعقاد «قرارداد صلح امیان» (۱۸۰۲ م) موجب همکاری متقابل طرفین در موقع بروز جنگ می‌شد و تمام پیمان‌های متعلق به زمان پیش از جنگ و قراردادهای کاپیتولاسیون تجدید شد و تمام اموال فرانسه بازگشت و موجب تفوق فرانسه بر سواحل شرقی مدیترانه گردید. سلیم فرصتی هرچند کوتاه جهت از سرگیری انجام اصلاحات بدست آورد. از این پس ناپلئون درصدد تقویت عثمانی برآمد و فرانسه مکانت خود نزد باب عالی را باز یافته بود.^۵ آغاز قرن ۱۹ م زمان تلاش‌های شدید فعالیت‌های دیپلماتیک بود. روسیه و انگلستان در رقابت شدید با فرانسه برای جلب حمایت عثمانی در جنگی بودند که اینک متفقاً علیه آن آغاز شده بود.^۶

۲. مواجهه عثمانی با فرهنگ غربی و الگوپذیری از آن

تأثیرپذیری جامعه عثمانی از فرهنگ اروپایی به‌ویژه فرانسه، روندی تدریجی و تسلسلی داشت و «دیوار آهنین عثمانی» شکاف برداشته و دریچه‌ای به‌سوی غرب گشوده شد. در این برهه دانشجویان و طلاب، ملزم به یادگیری زبان فرانسه^۷ در کنار زبان عربی بودند که بعدها همین امر منجر به نهضت ترجمه در عثمانی گشت.^۸ اندکی بعد اساتید و طلاب مدرسه سولیتزی برای

۱. شاه، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۴۷۲.

۲. الهاشمی، الخلافة العثمانية، ص ۴۲۲.

۳. لوییس، ظهور ترکیه نوین، ص ۱۰۴ - ۱۰۰؛ Eton, *Survey of the Turkish Empire*, P. 190.

۴. آقی کوندز احمد، الدولة العثمانية المجهولة، ص ۳۶۵.

۵. زیاده، اكتشاف التقدم الاوروبی، ص ۵۵.

۶. کین راس، قرون عثمانی، ص ۴۴۲.

7. Tanpınari, *19 uncu Asır Türk Edebiyatı Tarihi*, S. 55.

۸. زیاده، الاصلاح العثماني فی القرن الثامن عشر، ص ۲۴.

نخستین بار دایرةالمعارفی فرانسوی را در قلمرو عثمانی تدوین کردند. این مدرسه جهت آموزش‌های نظامی تأسیس شد که بسیار مورد توجه سلطان بود و دائم به آن سرکشی می‌کرد.^۱ بی‌تردید وقوع انقلاب فرانسه افکار و تصمیم سلطان سلیم را لرزاند ولی ایده‌های اصلاحات و ضرورت انجام اصلاح‌گری در داخل، وی را به انقلاب فرانسه متمایل ساخت.

نخستین تلاش‌ها در راستای انتشار جراید، در این برهه زمانی در عثمانی صورت گرفت.^۲ چنان‌که فرنیناک - سفیر فرانسوی - جهت انتشار اخبار در سراسر قلمرو عثمانی، اولین نشریه فرانسوی سطح خاورمیانه را در استانبول ایجاد کرد. چنین اقداماتی، به مرور موجبات گسترش افکار انقلاب فرانسه را فراهم ساخت و اصطلاحاتی چون «انقلاب، حق طبیعی و سربسته (آزادی)» رایج شد^۳ که بیانگر فتنه، اختلاف، سردرگمی و انقلاب در سطوح مختلف آن بود که می‌توان در یک جمع‌بندی چنین افکاری را در سه واژه خلاصه کرد: «آزادی، برادری و مساوات».^۴ آنچه نخبگان مذهبی عثمانی را بیشتر نگران می‌کرد، ورود و انتشار افکار روسو و ولتر بود که آن دو را ملحدانی مشهور می‌خواندند که با زبانی شیرین و استفاده از کلماتی چون جمهوری، مساوات و انقلاب و همچنین ترجمه آنها به زبان‌های یونانی، ارمنی و عثمانی از طریق عاملان خویش، آتش فتنه را در امپراطوری می‌پراکنده.^۵ حال مبرهن است که بسیاری از افکار و عقاید غربی از مسیر و کانال اصلاحات به جامعه عثمانی منتقل گشت.

۳. مشخص شدن موانع اصلی بر سر راه اصلاحات

ینی‌چریان و کسانی که از انجام اصلاحات، احساس خطر می‌کردند، از همان اوان سلطنت سلیم سوم، به تحریک و تشویق مشغول بودند. علما نیز مخالف بودند زیرا به زعمشان هرگونه نوآوری تخطی از قوانین اسلام و سنت تلقی می‌شد.^۶

نیروهای «قاپی قوللاری» از ارسال نیروهای نظام جدید به جبهه جنگ با روسیه ممانعت می‌کردند و در بحبوحه جنگ و اشغال سرزمین‌های عثمانی توسط دشمنان، ارتش درگیر جنگ داخلی بود و یا به عبارتی دیگر بالای جان دولت شده بود. ولی نیروهای «نظام جدید» سلطان، خود را در نبرد عکا علیه فرانسوی‌ها (۱۷۹۸ م) ثابت کرده بودند و به راحتی آنان را پس راندند.^۷ این پیروزی به مذاق ینی‌چریان خوش نمی‌آمد و پیروزی‌های پی‌درپی آنان می‌توانست نویدبخش قدرت نظامی عثمانی و برچیده شدن فساد و سرکشی‌های انکشاریه باشد.

سلیم هنوز فرصت داشت تا آتش قیام را خاموش کند ولی سران محافظه‌کاران - کسانی چون شیخ‌الاسلام عطاءاله افندی وی را به راه مذاکره و مصالحه سوق دادند.^۸ سلیم به نیت مصالحه، نیروهای نظام جدید را به سربازخانه بازگرداند. ولی یاماهاها نیز به بهانه مذاکره در امتداد بوسفور به سوی استانبول حرکت کردند و در میان راه بسیاری از طلاب و مخالفان سلطان به اینان پیوستند.^۹ بدین ترتیب محافظه‌کاران، آتش فتنه را برافروختند. سلیم درصد انحلال نظام جدید برآمد و سران شورشیان را به کارها گماشت تا آنان را آرام کند. (۱۸۰۷ م) ولی مسلماً، تسلیم، تنها اوضاع را متشنج کرده و شورشیان را به تقاضاهای بیشتر سوق می‌داد. بنابراین سلطان به بی‌توجهی به تعالیم قرآنی و گرایش به مظاهر تمدنی اروپای مسیحیت، متهم شد.^{۱۰} با به مخاطره افتادن منافع انکشاریه و متحدان مذهبی آنان، شیخ‌الاسلام فتوایی صادر کرد مبنی بر اینکه «هر سلطانی که نظام فرنگی و عادات آنان را وارد و مردم را ملزم به تبعیت کند، صلاحیت پادشاهی و سلطنت را ندارد».

1. Ranke, *History of Serbia*, P. 98.

2. Davey, *The Sultan and His Subjects*, P. 16; Ahmed, *The Development of Modern Turkey as Measured by its Press*, P. 28.

۳. زیاده، *تطور النظرة الاسلاميه الى اوروپا*، ص ۱۰۰.

۴. عبد العزيز، *تاريخ المشرق العربي*، ۲۵۹.

۵. زیاده، *تطور النظرة الاسلاميه الى اوروپا*، ص ۷۳.

۶. شاه، *تاريخ امپراطوري عثمانی و ترکیه جدید*، ج ۱، ص ۴۷۲؛ *Encyclopedia Britannica*, XXVII, P. 427.

۷. الهاشمی، *الخلافة العثمانیه*، ص ۴۲۲.

۸. شاه، *تاريخ امپراطوري عثمانی و ترکیه جدید*، ج ۱، ص ۴۷۳ - ۴۷۲.

9. Ranke, *History of Serbia*, P. 219.

۱۰. الشناوی، *الدولة العثمانية دولة اسلامية مقتری علیها*، ص ۵۲۹.

در واقع علل اصلی شکست اصلاحات سلیم سوم، از کانون‌های مخالفانی چون ینی‌چریان، مقامات فاسد، حاکمان ایالتی و محافظه‌کاران سنتی ناشی می‌شد.^۱ وی پایگاهی مردمی نداشت^۲ چراکه اصلاحات، برخاسته از بطن جامعه نبود و نظر مردم مردم نیز چندان در آن لحاظ نمی‌گردیدند.

۴. پدید آمدن رکود اقتصادی و تورم

سلطان سلیم پس از ایجاد نظام نوین و خزانه مستقل «اراده جدید یا درآمد جدید» و تصرف تیمارها، تلاش کرد تا با وضع مالیات‌های غیرمستقیم، در راستای حمایت از نیروهای جدید برآید که با افزایش نرخ کالاها، مواد ضروری و حتی تنباکو و ... به منظور ایجاد اصلاحات در دسته‌های قدیمی‌تر، موجب تشدید مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها گشت.^۳ اصلاحاتی که بی‌هیچ تدبیر مالی معقول به کارگرفته شده بود و کاهش عیار مسکوکات و همچنین هزینه‌های بیشمار حکومت، موجب بروز تورمی جدید شد و مردم را عمیقاً علیه اصلاحات وی برانگیخت که از دید آنان مایه تمام نابسامانی‌ها و گرفتاری‌های آنان بود. بیشترین مشکلات مالی، از نظام‌های قدیمی خزانه‌داری ناشی می‌شد چراکه جهت پرداخت هزینه‌های خاص و انجام تعهدات فوق‌العاده و تأمین وجوه سفته‌های منتشره، بایستی بودجه‌ای کلی و سراسری تنظیم می‌گشت تا از بروز بحران‌های مالی احتمالی جلوگیری کند.^۴ درحالی‌که سلیم صرفاً با احیای نظام سنتی به حل مشکلات پرداخت و نه از طریق نظام مالی و بودجه‌ای کشوری.

۵. هموار شدن مسیر اصلاحات برای سلاطین بعدی

سلطان سلیم سوم در شرایط سختی با وجود شورش‌های داخلی و اعتراضات مخالفین سنتی و قشری، نهضت اصلاح‌طلبی جسورانه‌ای را صورت داد ولی اصلاحات وی با شکست مواجه شد چراکه وی تعصبات ارتجاعی را برافروخته و مقاومت اینان را در برابر هرگونه نوآوری سخت‌تر کرد.^۵ وی توان آن را نداشت که با یک ضربه، نظام سنتی حکومتی را که در طول قرون، خود را تثبیت کرده بود و با وجود ضعف‌هایش هنوز تداوم داشت، دگرگون سازد. سلیم می‌بایست ساختار بنیادی نهادهای موجود را تغییر می‌داد. این امر بالاتر از همه‌چیز مستلزم محدود کردن قدرت شیخ‌الاسلام بود.^۶ سلیم به‌عنوان فرمانروایی جلوتر از زمانه خویش، در ساختاری سنتی شروع به اصلاحات کرد که ساختار آن چنین اجازه‌ای به وی نمی‌داد. بر این اساس وی باید در محدوده همان ساختار مبادرت به نوآوری می‌کرد. به هر حال مخالفان، سلطان و حامیان او را قتل عام ساختند^۷ و پس از وی مصطفی چهارم را به تخت سلطنت نشانند که در این حین مصطفی بایراکدار - فرماندار سیلیستره - به پشتیبانی اصلاحات سلیم سوم برخاست و به کمک یاران خویش استانبول را گرفت. وی سلطان جدید را برانداخته و سلطان محمود دوم را به‌جای مصطفی چهارم نشانند و خود صدارت اعظمی را عهده‌دار شد که ینی‌چریان وی را برانداختند (۱۸۰۸م) و با سقوط وی تلاش مجدانه اصلاح عثمانی متوقف شد.^۸ دومین تلاش که «تنظیمات» خوانده می‌شود، در دوره محمود دوم (۱۸۰۸ - ۱۸۳۹ م) آغاز گردید و تا پایان دوره عبدالحمید دوم تداوم یافت. با این تفاوت که دیگر سلاطین جدید، از تجارب و زمینه‌های فراهم آمده توسط سلیم سوم، نهایت استفاده را کردند و کسی چون محمود دوم قریب هفده سال صبر کرد تا جرأت یابد برنامه تغییرات تند روانه خود را عملی سازد. وی به‌تدریج و به آرامی زمینه‌ها را فراهم آورد و در تابستان ۱۸۲۶ م لشکر ینی‌چریان مخالف را به یاری نیروهای جدیدش قلع‌و‌قمع کرد^۹ و ناگزیر از کاهش قدرت علما که حافظان تشکیلات مذهبی بودند، شد. بدین خاطر که علما با همدستی ینی‌چری‌ها قدرت مطلق به‌شمار می‌رفتند که توانسته بودند سلیم و نقشه‌هایش را متوقف سازند. بدین‌سان سلطنت «لیبرال‌ترین فرد از اصلاح‌طلبان نوگرا»^{۱۰} با شکست مواجه گشته و خاتمه یافت. البته در این شکست عناصری نهان بود که در دوره سلاطین بعدی موجب انجام اصلاحاتی مهم‌تر در جامعه عثمانی گردید.

1. *Encyclopedia Britannica*, XXVII, P. 455.
2. Cevdet Paşa, *Tarih-i Cevdet, Cilt I*, P. 67-68.
3. Clarke, *Travels*, Part 2, Sect. I Vol. III, P. 376.

۴. شاول، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ج ۱، ص ۴۵۷.

۵. کین راس، *قرون عثمانی*، ص ۴۴۹ - ۴۴۳.

۶. همان.

7. Clarke, *Travels*, Part 2, Sect. I, Vol. III, P. 376.

۸. ووسینیچ، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ص ۱۰۱.

۹. کین راس، *قرون عثمانی*، ص ۴۷۴ - ۴۵۵؛ باربر، *پادشاهان شاخ زرین*، ص ۱۲۶.

۱۰. شاول، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ج ۱، ص ۴۷۳.

نتیجه

جلوس سلطان سلیم سوم مقارن با انقلاب فرانسه و عصر بیداری در اروپا صورت گرفت. در این دوره اوضاع جبهه‌های جنگ با رقبای اروپا و اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در داخل امپراطوری بغرنج بود. زیرا پیشرفت و اکتشافات جغرافیایی غربی‌ها و پیامدهای آن ضربه مهلکی بر پیکره اقتصادی امپراطوری وارد ساخته بود. بر این مبنا خاستگاه اصلی اصلاحات، اوضاع نابسامان امپراطوری و رکود روزافزون آن می‌باشد که این امر خود ناشی از افکار سنتی جامعه عثمانی بود. با این وجود سلطان جدید و حامیان نوگرایی عصر وی به خوبی می‌دانستند که جهت نجات امپراطوری بایستی با هموار کردن زمینه‌های آموزشی در جامعه و اعزام دانشجویان به اروپا و برپایی نهضت ترجمه کتب و تأسیس سفارتخانه‌ها در خارج از کشور به تاسی از فرانسه و توجه به مظاهر تمدن غربی، دست به اصلاحاتی گسترده در ابعاد مختلف زنند.

سلطان تلاش کرد تا با تشکیل مجلس مشورتی، ابتدا حامیان اصلاحات را گرد آورده و با استفاده از نظرات و دیدگاه‌های نخبگان روشنفکر و متجدد جامعه، وضع موجود و مشکلات و بحران عصر خویش را شناسایی و با حمایت آنان پروژه اصلاحات را به سرانجام برساند. وی تنها راه نجات امپراطوری از ورطه بحران را در اجرایی کردن برنامه‌های اصلاحی می‌دید. سلطان سلیم سوم به‌ویژه پس از شکست ینی‌چری‌ها در مصاف با نیروهای روسیه (۱۷۹۲ - ۱۷۸۷ م) دریافت بود که ارتش ینی‌چری، دیگر همگامی با توسعه و اصلاح را بر نمی‌تابد که این ایده منجر به شکل‌گیری «نظام جدید» و به تبع آن ایجاد نظام «اراده جدید» سلطان و سایر اصلاحات در عرصه‌های مالی و اجتماعی و دیپلماسی و نظام آموزشی گردید.

در یک نگاه پاتولوژیک و آسیب‌شناسانه به اصلاحات عصر سلطان سلیم سوم، بایستی اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نابسامان امپراطوری را در فضایی بررسی کرد که از سویی رقابت قدرت‌های اروپایی و از دیگر سو وجود مخالفان داخلی اعم از اشراف ترک، علما و ارتش سنتی، همگی نقش سدی آهنین را در قبال تغییر وضع موجود و بهبود آن ایفا می‌کردند. در واقع قشر سنت‌گرایان با برداشت قالبی از اسلام - تا آنجا که منافع و موقعیت‌شان در ساختار امپراطوری به مخاطره نمی‌افتاد - با انجام اقدامات اصلاحی همراهی می‌کردند. بر این اساس سلطان سلیم سوم و دولتمردان عصر وی بر آن بودند تا اصلاحاتی در جهت بهبود اوضاع آشفته عثمانی به کار گیرند که موانع داخلی قشری و بی‌اطلاعی توده از اصلاحات و فرمایشی بودن آن از طبقه بالا، وی را از ادامه پروژه اصلاحاتش بازداشت. با این همه، اقدامات اصلاح‌گرایانه وی، زمینه اصلاحات نوین و تنظیمات، به دست سلاطین پس از وی را هموار کرد.

منابع و مآخذ

۱. آق کوندز احمد، اوزتورک، سعید، *الدولة العثمانية المجهولة*، استانبول، وقف البحوث العثمانية، ۲۰۰۸ م.
۲. اوغلی، اکمل‌الدین، *الدولة العثمانية تاريخ و حضاره نقله الى العربية*، صالح سعداوی، استانبول، مرکز الابحاث للتاريخ والفنون والثقافة الاسلاميه، ۱۹۹۹ م.
۳. باربر، نونل، *فرمانروایان شاخ زرین*، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران، گفتار، ۱۳۶۴.
۴. حائری، عبدالهادی، *امپراطوری عثمانی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، مشهد، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۶۴.
۵. حضرتی، حسن، *مشروطه ایران و عثمانی*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۶.
۶. حضرتی، حسن، *مشروطه عثمانی*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.
۷. حورانی، البرت، *الفکر العربی فی عصر النهضة ۱۹۳۹ - ۱۷۹۸*، ترجمه الی العربیه کریم عزقول، بیروت، نوفل، ۱۹۹۸ م.
۸. دوگرس، میشل، *شبهای سرای*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر قطره، ج ۱۶، ۱۳۹۰.
۹. زیاده، خالد، *اکتشاف التقدم الاورویی، دراسات فی المؤثرات الاوروییة علی العثمانيين فی القرن الثامن عشر*، بیروت، دار الطلیعه، ۱۹۸۱ م.
۱۰. زیاده، خالد، *الاصلاح العثماني فی القرن الثامن عشر*، الطبعة الاولى، بیروت، المؤسسة العربیه للدراسات و النشر، ۱۹۷۹ م.
۱۱. زیاده، خالد، *تطور النظرة الاسلاميه الى اورویا، الطبعة الاولى*، بیروت، معهد الانماء العربی، ۱۹۸۳ م.

۱۲. سید مصطفی، *نقد حالة الفن العسكرى، والهندسة والعلوم فى القسطنطينيه سنة ۱۸۰۳*، تحقيق خالد زياده، الطبعة الاولى، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ۱۹۹۷ م.
۱۳. شاو، استانفورد جى، ازل كورال شاو، *تاريخ امپراطورى عثمانى و تركيه جديد، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۰*.
۱۴. الشناوى عبدالعزيز، محمد، *الدولة العثمانية دولة اسلامية مقترى عليها، الجزء الاول، القاهرة، مكتبة الانجلو مصريه، ۱۹۸۴ م*.
۱۵. عبدالعزيز، عمر، *تاريخ المشرق العربى، مصر، دار المعرفة الجامعية، ۱۹۶۶ م*.
۱۶. الغازى، امانى بنت جعفر بن صالح، *دور الانكشاريه فى اضعاف الدولة العثمانية، قاهره، دار القاهره، ۲۰۰۷ م*.
۱۷. كين راس، لرد، *قرون عثمانى، ترجمه پروانه ستارى، تهران، انتشارات كهكشان، ۱۳۷۳*.
۱۸. لوييس، برنارد، *ظهور تركيه نوين، محسن على سبحانى، تهران، انتشارات مترجم، ۱۳۷۲*.
۱۹. ناطق، هما، *ايران در راهبايى فرهنگى، پاریس، خاوران، ۱۳۶۸*.
۲۰. نوار، عبد العزيز سليمان، *الشعوب الإسلاميه، الاتراك العثمانيون، القسرس، مسلمو الهند، بيروت، دار النهضة العربية، ۱۹۹۱ م*.
۲۱. الهاشمى، عبدالمنعم، *الخلافة العثمانية، بيروت، دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزيع، ۲۰۰۴ م*.
۲۲. ووسينچ، وين، *تاريخ امپراطورى عثمانى، ترجمه سهيل آذرى، تهران، انتشارات فرانكلين، ۱۳۴۶*.
23. Ahmed, Emin, *The Development of Modern Turkey as Measured by its Press*, Newyork, 1914.
24. Aksan, Virginia H., *An Ottoman Statesman in War and Peace: Ahmed Resmi Efendi, 1700-1783*, Leiden, New York: E.J. Brill, 1995.
25. Akşin, Sina, *Kısa Türkiye Tarihi*, istanbul: Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları, 2012.
26. Berkes, Niyazi, *Türkiye'de Çağdaşlaşma*, Istanbul, Yapı kiredi Yayınları, 2011.
27. Beydilli, Kemal, and İlhan Şahin, *Mahmud Raif Efendi Ve Nizam - ı Cedid'e Dair Eseri*, Ankara: Türk Tarih Kurumu, 2001.
28. Çadircı, Musa. "Renovations in the Ottoman Army", *Revue Internationale D'Histoire Militaire*, 67, P. 87 - 102, 1988.
29. Cevdet Paşa, Ahmet, *Tarih - i Cevdet, Cilt I*, İstanbul: Tasvir Gazetecilik ve Matbaacılık, 1994.
30. Clarke, E. L, *Travels*, London, P. 1817-1818, Part 2, Sect. I, Vol. III.
31. Davey, Richard, "*The Sultan and His Subjects*", London, 1897.
32. Derin, Fahri Ç, "Yayla İmamı Risâlesi", *Tarih Enstitüsü Dergisi* 3, no. 8, P. 213-272, 1973.
33. Encyclopedia Britannica, 11th ed, Cambridge, 1911 Article, *Turkey*, Vol. XXVII, P. 426-467.
34. Eton William, *Survey of the Turkish Empire*, London, 1801.
35. Karal, Enver Ziya, *Osmanlı Tarihi V. (Nizam - ı Cedid ve Tanzimat Devirleri)*, Ankara: TTK Yayınları, 1947.
36. Karpat, Kemal H, *Osmanlı Modernleşmesi: Toplum, Kurumsal Değişim ve Nüfus*, Çev:-Akile Zorlu Durukan ve Kaan Durukan, Ankara: İmge Kitabevi, 2008.
37. Karpat, Kemal H, *Osmanlı ve Dünya Osmanlı Devleti ve Dünya Tarihindeki Yeri İstanbul*, yayın hakkı Ufuk Kitap, 2000.
38. Kona, Gamze, *Güngürmüş, Batı'da, Aydınlanma, Doğu'dabatlaşma*, istanbul:okumüş, Adam Yayınları, 2005.
39. Mardin, Şerif, *Türkiye'de din ve Siyaset*, İstanbul: İletişim, 1991.
40. Mardin, Şerif, *Yeni Osmanlı Düşüncesinin Doğuşu*, İstanbul: İletişim, 1996.
41. Naf, Thomas, Reform and the conduct of Ottoman Diplomacy in the Reign of Selim III, *Journal of American Oriental Society*, c.83, S8, ss. 295-315, 1789-1807.
42. Ranke, Leopold, *History of Servia*, Translated from the German by Mrs. Alexander Ker, London, 1848.
43. Şevket Pamuk, "Institutional Change and the Longevity of the Ottoman Empire 1500 - 1800", *Journal of Interdisciplinary History* 35, n. , no. 2 (2004): 226 - 227.
44. Tanpınar, Ahmet Hamdi, *19 uncu Asır Türk Edebiyatı Tarihi*, İstanbul: Çağlayan Kitabevi, 1988.
45. Thornton, Thomas, *Present State of Turkey*, London, 1809.
46. Turhan, Mümtaz, *kültür değişimleri: sosyal psikoloji bakımından bir tetkik*, istanbul M.Ü.İFAV, Yayınları, 1994.
47. Ustun, Kadir, *The New Order and Its Enemies*, Columbia University, P. 108, 2013.
48. Uzunçarşılı, İsmail H, "Selim III'ün Veliht İken Fransız Kralı Lûi İle Muhabereleri", *Bel-leten*, No. 5-6, ss. 191-246, 1938.